

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وحده و الصلاة و السلام على من لا نبى بعده و
على آله و اصحابه و اهل بيته اجمعين امابعد؛

**کنفرانس: در مورد اثبات یک حقیقت تاریخی که توسط آخوند اارونه و چپه نشاندهی
شده است. و ان اثبات رابطه حسنه شیخین با بی بی فاطمه رضی الله تعالی عنه است.**

ارائه دهنده: استاد کشمیری

ارائه شده در گروه مدافعان سنت

بدون تردید احترام به خانه حضرت زهرا - رضي الله عنها - احترام به حضرت رسول
اکرم - صلی الله علیه وسلم - است و هتک حرمت حضرت زهرا - رضي الله عنها -،
توهین به رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - و خاندان او محسوب می گردد، که هیچ
مسلمانی آن را جایز نمی داند.

اما بر خلاف آنچه دیگران ادعا می نمایند، ما معتقدیم که همه ی صحابه و خصوصاً
حضرت ابوبکر و عمر - رضي الله عنهما - با دختر گرامی رسول اکرم - صلی الله علیه
وسلم - رفتاری شایسته داشته اند و احترام خانه آن بانوی بزرگوار را کاملاً مراعات
نموده اند.

چنانچه حضرت ابوبکر - رضي الله عنه - توصیه فرمودند: «ارقبوا محمداً - صلی الله
علیه وسلم - في أهل بيته». [بخاری، صحیح بخاری: ج 4، ص: 579، کتاب فضائل
اصحاب النبی، باب مناقب قرابة رسول الله، شماره حدیث: 3713، دار الکتب العلمیة،
بیروت، 1412هـ، 1992م] «حال محمد - صلی الله علیه وسلم - را درباره ی اهل بیتش
مراعات کنید».

ارقبوا محمدا) احفظوه. (في أهل بيته) فلا تسبوهم ولا تؤذوهم وهم فاطمة وأولادها رضي الله عنها وعنهم. أو هم أزواجه صلى الله عليه وسلم ورضي الله عنهم وعنهن

[3541]

و فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَرَابَتُهُ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَحَبُّ إِلَيَّ أَنْ أُصِلَ مِنْ قَرَابَتِي». [صحيح بخاري: ج 4، ص 579، شماره حدیث: 3712]. «قسم به ذاتی که جانم در دست اوست ارتباط و خویشاوندی با خاندان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نزد من دوستدارتر از آن است که با خویشاوندان خویش، خویشاوندی نمایم».

و از طرفی حضرت ابوبکر - رضي الله عنه - جدّ برخی از ائمه محسوب می گردد چنانکه امام صادق - رحمه الله - که مادرش ام فروه نواده ی محمد و عبدالرحمن، پسران ابوبکر - رضي الله عنه - بود می فرمود: «من از دو سو نواده ی ابوبکر» . «ولدنی ابوبکر مرتین» [أعيان الشيعة: ج 1، ص: 659].

محمد الباقر عليه السلام: " وأمه (الصادق) أم فروة بنت القاسم الفقيه ابن محمد ابن أبي بكر ، وأمها أسماء بنت عبدالرحمان بن أبي بكر ، ولهذا كان الصادق عليه السلام يقول : ولدني أبو بكر مرتين " (إنتهى) . (الكتاب : معجم رجال الحديث المؤلف : السيد ابوالقاسم الموسوى الخوئي ج 15 ص 32)

علامه عبدالحسين احمد اميني نجفي در کتاب «الغدیر» می گوید:

«بزرگداشت و احترام یار غار بزرگوار پیامبر و مهاجری که به تنهایی پیامبر اسلام را در سفر هجرت همراهی می کرد و نامش در سر فهرست مهاجران ثبت است، باید برای ما اهمیت داشته باشد. و شناختن حق ابوبکر و کم رنگ جلوه دادن شخصیت او، از جنایات فاحش و قضاوت ناعادلانه و داورى از روی احساسات به شمار می آید» . [الغدیر: ج 7، ص: 73 - 74، دار الكتاب العربی: 1403 هـ 1983 م].

فصاحب النبي الأعظم في الغار، والمهاجر الوحيد معه في الرعي الأول من المهاجرين السابقين يهمننا إكباره وإعظامه، ويعد من الجنایات الفاحشة بخس حقه، والتقصير في تحديد

نفسیاته، والخروج عن قضاء العدل فيها، والنزول على حكم العاطفة. ((الغدير ج 11 ص 296))

حضرت عمر فاروق - رضي الله عنه - نیز به اهل بیت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - احترام خاصی قایل بودند. و خطاب به حضرت فاطمه - رضي الله عنها - فرمودند: «یا فاطمة والله ما رأيت أحدا أحب إلى رسول الله - صلی الله علیه وسلم - منك والله ما كان أحد من الناس بعد أبيك أحب إلى منك». [مستدرک حاکم: ج 4، ص 139، شماره حدیث: 4789، دار المعرفة، 1418 هـ - 1998 م].

ای فاطمه! بخدا قسم من کسی را محبوب تر از تو نزد پیامبر خدا نیافتم و به خدا قسم هیچ کسی بعد از پدر بزرگوارت نزد من محبوب تر از شما نیست».

عقیده و اراده ی خاص حضرت عمر فاروق - رضي الله عنه - به اهل بیت پیامبر - صلی الله علیه وسلم -، سبب شد تا ایشان از ام کلثوم - رضي الله عنها - دختر گرامی حضرت علی و فاطمه زهرا - رضي الله عنهما - خواستگاری نمایند.

چنانکه مورخ شهیر شیعی، احمد بن ابی یعقوب یعقوبی متوفی (284 هـ. ق) می گوید: عمر، ام کلثوم، دختر علی بن ابی طالب را که مادرش فاطمه، دختر پیامبر بود از علی بن ابی طالب خواستگاری کرد. پس علی گفت: که او هنوز کودک است،

عمر گفت: آنچه پنداشتی نخواستم. لیکن خود از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: «کل سبب ونسب یقطع یوم القيامة الا سببی وصهری».

هر بستگی و خویشاوندی در روز رستاخیز بریده می شود، جز بستگی و خویشی و دامادی من، پس خواستم که مرا بستگی و دامادی با پیامبر خدا باشد، پس او را به زنی گرفت و ده هزار دینار به او مهریه داد.

یعقوبی: احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص: 35، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی 1366 هـ. ش].

برخی شبهه وارد کرده اند و ادعا کرده اند که ازدواج عمر رض با ام کلثوم افسانه ای بیش نیست می گویند اگر حقیقت داشت در صحاح سته شان می آمد خودم حتی چندین بار از شبکه ولایت شنیده ام اما من از اصح الکتب اهل سنت یعنی صحیح بخاری این ازدواج را ثابت می کنم.

اینهم روایت از صحیح بخاری: 2881 - حَدَّثَنَا عَبْدَانُ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ، أَخْبَرَنَا يُونُسُ، عَنْ ابْنِ شِهَابٍ، قَالَ ثَعْلَبَةُ بْنُ أَبِي مَالِكٍ: إِنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَسَمَ مُرَوِّطًا بَيْنَ نِسَاءٍ مِنْ نِسَاءِ الْمَدِينَةِ، فَبَقِيَ مِرْطٌ جَيِّدٌ، فَقَالَ لَهُ بَعْضُ مَنْ عِنْدَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أُعْطِ هَذَا ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّتِي عِنْدَكَ، يُرِيدُونَ أُمَّ كُلْثُومَ بِنْتِ عَلِيٍّ، فَقَالَ عُمَرُ: «أُمُّ سَلِيطٍ أَحَقُّ، وَأُمُّ سَلِيطٍ مِنْ نِسَاءِ الْأَنْصَارِ، مِمَّنْ بَايَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» [ص:34]، قَالَ عُمَرُ: «فَإِنَّهَا كَانَتْ تَزْفِرُ لَنَا الْقِرْبَ يَوْمَ أُحُدٍ»، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: " تَزْفِرُ: تَخِيطُ "

ترجمه: از عمر بن خطاب - رضی الله عنه - روایت است که او، پارچه هایی را میان تعدادی از زنان مدینه، تقسیم کرد و يك قطعه پارچه خوب، باقی ماند. يك نفر که آنجا بود، گفت: ای امیر المؤمنین! این را به همسرت؛ دختر رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - بده. و منظورش ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - (نوة رسول خدا - صلی الله علیه وسلم -) بود. عمر گفت: ام سلیط مستحق تر است. چرا که روز احد برای ما مشک های پر از آب می آورد. گفتنی است که ام سلیط، یکی از زنان انصار بود که با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بیعت کرده بود.

اگر یکی شبهه ایجاد کند که منظور از ام کلثوم همان دختر ابوبکر رض است جواب محکمی از همین حدیث نثارش می کنیم که در حدیث آمده ابنه رسول الله و فرزندان ابوبکر ابنه رسول الله ص نیستند بلکه نوهای رسول الله ص ابنه رسول الله ص هستند و بالفرض اگر می بودند ازدواج پیامبر ص با سیده طاهره عایشه رض درست نبود.

✓ ممکنه کسی شبهه وارد بکند که ابوبکر رض فاطمه رض را غضبناک کرد و غضبناک کردن فاطمه برابر با غضبناک کردن رسول الله ص است چون امام بخاری(رح) در کتابش روایت می کند که حضرت عروه از عایشه ام المؤمنین رضی الله عنها روایت می کند:

که فاطمه دختر رسول الله ﷺ بعد از وفات پیامبر اکرم ﷺ از خلیفه‌ی اول مسلمین ابوبکر در خواست نمود ((- رفتن حضرت فاطمه پیش خلیفه تا اموال رسول الله را در میانشان تقسیم بکند خود دال بر برحق دانستن خلیفه می‌باشد. فتأملوا)) تا میراث رسول الله ﷺ را تقسیم کند و سهمیه‌اش را به او بدهد حضرت ابوبکر صدیق ؓ حدیثی را برای قانع نمودن حضرت فاطمه رضي الله عنها ذکر نمودند که پیامبر ﷺ فرمودند: از ما ارث برده نمی‌شود آنچه را ما معشر انبیا به ارث می‌گذاریم همه صدقه در راه خداوند هستند، « فغضبت فاطمة بنت رسول الله فهجرت ابابكر فلم تزل مهاجرة حتي تُوفيت » حضرت فاطمه از ابوبکر غضبناك گردید تا اینکه وفات کرد.

و یا در بعضی روایات آمده « فلم يتكلم حتي ماتت » حضرت فاطمه با ابوبکر صحبت نکرد تا اینکه از این دنیا رحلت نمود.

جواب این شبهه به چندین وجوه:

جواب اول: این اختلاف اجتهادی بوده همانگونه که این اختلاف بین حضرت علی و عباس رضي الله عنهما وجود داشت مختصری از اختلاف حضرت علی و عباس رضي الله عنهما این روایت بدین قرار است: مالك بن اوس روایت کرده: که در جلسه‌ای حضور داشتیم که در آن عباس و علی رضي الله عنهما دعوای خود را برای داورى نزد خلیفه (عمر) آوردند که بر سر ما ترك پیامبرص از اموال بنی‌نضیر اختلاف داشتند و سر انجام خلیفه در میانشان داورى کرد و فرمود:

ارشاد پیامبرص است: «لأنورث ما تركناه صدقة» ترجمه: ما گروه انبیا ارث نمی‌گذاریم و هر چه از ما بماند صدقه است. لذا همگی آنرا تأیید کردند.

و قابل ذکر است، که در باره‌ی اختلاف علی و عباس رضي الله عنهما نیز روایات مختلفی است که اختلاف آنها بر سر ارث بود یا تولیت بر صدقه .

جواب دوم: اما غضبناك بودن حضرت فاطمه از ابوبکر ظن راویست که از کلمه‌ی صحبت نکردن استنباط نموده است، زیرا این لفظ در بسیاری از روایات مذکور نیست؛

کل طرق این حدیث را برایتان می‌آورم

تخریج حدیث عائشة مع ذکر طرقه مفصلة

رواه الزهري عن عروة عنها، ورواه عن الزهري ستة هم:

از زهري شش نفر این روایت را روایت کرده‌اند که عبارتند از:

شعيب / صالح / عقيل / معمر / الوليد بن محمد / عبد الرحمن بن خالد بن مسافر

مثلاً امام ابوداود (رح) این حدیث را از طریق عقیل، و شعیب بن ابی حمزه و صالح که همه‌ی اینها از زهري (که حدیث بخاري را روایت کرده است) روایت می‌کنند، این زیادتی در هیچ يك از این روایات وجود ندارد

به روایت سنن ابی داود توجه کنید: 2968 - حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ خَالِدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَوْهَبٍ
الْهَمْدَانِيُّ، حَدَّثَنَا اللَّيْثُ بْنُ سَعْدٍ، عَنْ عُقَيْلِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ ابْنِ شِهَابٍ، عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ،
عَنْ عَائِشَةَ، زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهَا أَخْبَرَتْهُ: أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرْسَلَتْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ تَسْأَلُهُ مِيرَاثَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِمَّا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَيْهِ، بِالْمَدِينَةِ، وَفَدَكَ، وَمَا بَقِيَ مِنْ خُمْسِ خَيْبَرَ، فَقَالَ أَبُو
بَكْرٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تُورَثُ مَا تَرَكَنا صَدَقَةً، إِنَّمَا يَأْكُلُ آلُ
مُحَمَّدٍ مِنْ هَذَا الْمَالِ»، وَإِنِّي وَاللَّهِ لَا أُغَيِّرُ شَيْئًا مِنْ صَدَقَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عَنْ حَالِهَا الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهَا، فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَا عَمَلَنَّ فِيهَا بِمَا
عَمِلَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَبَى أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنْ يَدْفَعَ إِلَى فَاطِمَةَ
عَلَيْهَا السَّلَامُ، مِنْهَا شَيْئًا "

یا به حدیث دیگری از سنن ابی داود توجه کنید: 2969 - حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ عُثْمَانَ
الْحِمَصِيُّ، حَدَّثَنَا أَبِي، حَدَّثَنَا شُعَيْبُ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ الزُّهْرِيِّ، حَدَّثَنِي عُرْوَةُ بْنُ الزُّبَيْرِ:
أَنَّ عَائِشَةَ زَوْجَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَخْبَرَتْهُ بِهَذَا الْحَدِيثِ، قَالَ: وَفَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ
جَبِيئُذٍ تَطْلُبُ صَدَقَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّتِي بِالْمَدِينَةِ، وَفَدَكَ، وَمَا بَقِيَ مِنْ خُمْسِ
خَيْبَرَ، قَالَتْ عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تُورَثُ مَا تَرَكْنَا صَدَقَةً، وَإِنَّمَا يَأْكُلُ آلُ مُحَمَّدٍ فِي هَذَا الْمَالِ» يَغْنِي مَالَ اللَّهِ لَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَزِيدُوا عَلَى الْمَأْكُلِ، ((الكتاب: سنن أبي داود ج 3 ص 142))

المؤلف: أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي
السنن جستانى (المتوفى: 275هـ)

المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد

و حتي خود امام بخاري رح و خود امام بخاري در كتاب الفرياض اين روايت را بدون آوردن لفظ «غضب» ذكر نموده توجه بفرماييد: 6725 - حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ، حَدَّثَنَا هِشَامٌ، أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنْ عُرْوَةَ، عَنْ عَائِشَةَ: أَنَّ فَاطِمَةَ وَالْعَبَّاسَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، أَتَيَا أَبَا بَكْرٍ يَلْتَمِسَانِ مِيرَاثَهُمَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَهُمَا حِينَئِذٍ يَطْلُبَانِ أَرْضِيَهُمَا مِنْ فَدَكٍ، وَسَهْمَهُمَا مِنْ خَيْبَرَ،

6726 - فَقَالَ لَهُمَا أَبُو بَكْرٍ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا تُورَثُ، مَا تَرَكْنَا صَدَقَةً، إِنَّمَا يَأْكُلُ آلُ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذَا الْمَالِ» قَالَ أَبُو بَكْرٍ: وَاللَّهِ لَا أَدْعُ أَمْرًا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصْنَعُهُ فِيهِ إِلَّا صَنَعْتُهُ، قَالَ: فَهَجَرْتُهُ فَاطِمَةُ، فَلَمْ تُكَلِّمُهُ حَتَّى مَاتَتْ ((صحيح بخاري))

و آنچه در بيهقي ذكر گرديده است دال بر اين است كه اضافه نمودن لفظ (غضب) ادراج راوي است نه كلام عايشه. رضي الله عنه

زيرا در كتاب قسم الفئ « قال: فغضبت فاطمه» آمده نه « قالت: فغضبت» و « هذا صريح في ادراج من الراوي» و اين دليل صريحي است بر اينكه اين لفظ را راوي اضافه نموده است.

رواية البيهقي:

أخبرنا أبو محمد عبد الله بن يحيى بن عبد الجبار ببغداد أنا إسماعيل بن محمد الصفار ثنا أحمد بن منصور ثنا عبد الرزاق أنا معمر عن الزهري عن عروة عن عائشة رضي الله عنها أن فاطمة والعباس رضي الله عنهما أتيا أبا بكر يلتامسان ميراثهما من رسول الله صلى الله عليه وسلم وهما حينئذ يطلبان أرضه من فذك وسهمه من خيبر فقال لهما أبو بكر

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لا نورث ما تركناه صدقة إنما يأكل آل محمد من هذا المال والله إنني لا أدع أمرا رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم يصنعه بعد إلا صنعته قال فغضبت فاطمة رضي الله عنها وهجرته فلم تكلمه حتى ماتت فدفنها علي رضي الله عنه ليلا ولم يؤذن بها أبا بكر رضي الله

و در اخر حديث امام بيهقي تصريح مي كند كه روايت بيعت كردن علي رضي با ابوبكر با عامه مردم صحيح تر است. و روايت تاخير كه زهري روايت شده منقطع است.

فقال البيهقي: رواه البخاري في الصحيح من وجهين عن معمر ورواه مسلم عن إسحاق بن راهويه وغيره عن عبد الرزاق وقول الزهري في قعود علي عنبيعة أبي بكر رضي الله عنه حتى توفيت فاطمة رضي الله عنها منقطع وحديث أبي سعيد الخدري رضي الله عنه في مبايعته إياه حين بويعبيعة العامة بعد السقيفة أصح ولعل الزهري أراد قعوده عنها بعد البيعة ثم نهوضه إليها ثانيا وقيامه بواجباتها والله أعلم.

و نیز قول همين راوي (يعني ابن شهاب زهري) در صحيح مسلم آمده « قال: فهجرته روايت صحيح مسلم: قال: فَهَجَرْتُهُ، فَلَمْتُ تَكْلِمَهُ حَتَّى تُؤْفَيْتَ، وَعَاشَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ ((صحيح مسلم ج 3 ص 1380 طبق شامله))

همانطوريكه مستحضريد قال صيغه واحد مذكر غاييه كه ميشه كلام زهري نه عايشه چون قالت نيست.

و مصنف عبدالرزاق هم همينطور روايت شده " قَالَ: فَهَجَرْتُهُ فَاطِمَةً، فَلَمْ تَكْلِمَهُ فِي ذَلِكَ حَتَّى مَاتَتْ ((الكتاب: المصنف عبدالرزاق ج 5 ص 471))

المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام بن نافع الحميري اليماني الصنعاني (المتوفى: 211هـ)

و همچنين اين نيز دليل روشني است بر اينكه مدرج (داخل كردن) از جانب راوي است، و از كلام حضرت عايشه كه راويه اول مي باشد نيست، زيرا بودن لفظ « قال » و نبودن جمله ي « قالت فهجرته » در اول حديث شاهد مدعاي ماست.

محقق شهیر مولانا الشیخ محمد نافع (حفظه الله) در کتاب «رحماء بینهم» جلد 1 صفحه

126 و 127 می نویسد: قصّه‌ی مراجعت حضرت فاطمه به نزد خلیفه اول برای تقسیم میراث به 36 طریق روایت شده است که 11 طریق آن را غیر زهری روایت کرده‌اند، و در این 11 طریق، کوچک‌ترین اشاره‌ای از «غضب و هجران» فاطمه نسبت به ابوبکر دیده نمی‌شود، و به 25 طریق از زهری روایت شده است که 9 طریق آن خالی از ذکر غضب و هجران است، و در 16 طریق آن لفظ «غضب و هجران» مذکور است.

پس معلوم می‌شود که ذکر لفظ «غضب و هجران» در این حدیث مدرّج من جانب زهری است ((تکمله فتح الملهم/ ص: 92 / ج 3 - و قد عرف من عادة الزهری انه کان ربما ادرج فی الحدیث شأناً من رأیه))

زمانیکه ثابت شد این از ناحیه زهری ادراج است فلا حجة فیهِ، نیازی به دلیل دیگری نیست و یا اینکه راوی از مردم این لفظ را استماع نموده و بدون اسناد آن را روایت کرده است؛ نتیجتاً این حدیث مرسل بشمار می‌آید، «و مراسیل الزهری لیست قویّة عندالمحدثین» و مراسیل زهری نزد محدثین قوی نیستند.

و غایه هذا، أنه من مراسیل الزهری، وهی من أوهی المراسیل. ((فتح الباری لابن رجب)) وَلَا یصلُحُ مُرْسَلُ الزُّهْرِيِّ لِمُعَارَضَةِ ذَلِكَ لِمَا تَقَدَّمَ مِنْ أَنَّ مَرَّاسِيلَ الزُّهْرِيِّ ضَعِيفَةٌ ((نیل الاوطار)) هذا لا یتبّث لأنه إما مرسل أو معضل خصوصاً مراسیل الزهری فإنها من أضعف المراسیل ((التعلیق علی فتح الباری)) و مِنْ أوهی المراسیل عندهم: مراسیل الحَسَنِ. وأوهی من ذلك: مراسیلُ الزهری ((الموقفه فی علم المصطلح)) و اختلف فی مراسیل الزهری لکن الأكثر علی تضعیفها، قال یحیی بن معین: "مراسیل الزهری لیست بشیء، وهو قول الشافعی أيضاً" ((العلائق: جامع التحصیل فی أحكام المراسیل. ص 41)).

جواب سوم: علامه شاه نعمت الله دهولوی رح در کتاب تحفه‌ی اثنا عشری که در جواب شبهات شیعه نوشته شده می نویسد:

کمال نادانی و بسسوادی به لغت عرب است زیرا که اغضاب آن است که شخصی به قول یا به فعل در غضب آوردن شخصی قصد نماید و ظاهر است که ابوبکر رض هرگز قصد ایذاء فاطمه رضی الله عنها نداشت و بارها در مقام عذر می گفت که والله یا

ابنه رسول الله صلي الله عليه و سلم ان قرابه رسول الله صلي الله عليه و سلم احب الي ان اصل من قرابتي پس چون اغضاب از جانب او متحقق نشود در وعيد چه قسم داخل گردد

آري حضرت زهرا رضي الله عنها بنا بر حكم بشریت در غضب آمده باشد لیکن چون وعيد به لفظ اغضاب است نه غضب ابوبکر را از این چه باک اگر به این لفظ وعيد واقع مي شد که من غضبت عليه غضبت عليه البته ابوبکر را خوف مي بود و

غضب حضرت زهرا بر حضرت امير در مقدمات خانگي بارها به وقوع آمده از آن جمله وقتي که خطبه بنت ابوجهل براي خود نمودند و حضرت زهرا گریان پیش پدر خود رفت و به همین تقریب آنجناب این خطبه فرمود که (الا ان فاطمه بضعه مني يؤذيني ما اذاها و يرييني ما رابها فمن اغضبها اغضبني) و از آن جمله آنکه حضرت امير به حضرت زهرا رنجش فرموده از خانه برآمده به مسجد رفت و بر زمین مسجد بي فرش خواب فرمود و چنان پیغمبر صلي الله عليه و سلم را بر این ماجرا اطلاع دست داد نزد زهرا آمد و پرسید که این ابن عمك زهرا عرض کرد که انه غاضبني فخرج و لم يقل (قيلولة) عندي و این هر دو روایت متفق عليه و صحيح است و از اجلا بدیهات است که حضرت موسي علي نبينا و عليه الصلوة و السلام به حکم بشریت بر حضرت هارون که برادر کلان و نبي مقرب خدا بود غضب نمود به حدي که سر و ریش مبارکش گرفت و کشید و یقین است که حضرت هارون قصد غضب حضرت موسي نفرموده بود زیرا که اغضاب نبي کفر است اما در غضب حضرت موسي هیچ شبهه نیست پس اگر این معامله اغضاب مي بود لابد حضرت هارون در آن وقت متصف به کفر مي گردید معاذا لله من ذلك ((تحفه اثنا عشري))

جواب چهارم:

گیرم اگر صحیح باشد، علامه کرمانی در خیر الجاری شرح صحیح بخاری آن را این طور جواب می دهد: «أما غَضَبُ فاطمه فهو امرٌ حَصَلَ علي مقتضي البشريّة و سکن بعد ذالك.» ((حاشیه 6 صحیح بخاری ج/ 1 ص 435))

ترجمه: خشم حضرت فاطمه بنا بر اقتضای طبع بشری بود و بعداً فرو نشست. « و اما هجرانها فمعناه انقباضها من لقائه لالهجران المحرّم من ترك السّلام و نحوه. » ترجمه: اما هجران حضرت زهرا معنایش اینست که با او ملاقات نمی کرد تا وفات نمود نه اینکه با او قهر شد و ترك سلام نمود.

اما مانند توضیح این عبارت «فلم يتكلم حتي ماتت» حضرت فاطمه با ابوبکر صحبت نکرد تا اینکه از این دنیا رحلت نمود

فهرته:

الهجر ضد الوصل وبابه نصر وهجرانا أيضا والاسم الهجرة والمهاجرة من أرض إلى أرض ترك الأولى للثانية والتهاجر التقاطع. {مختار الصحاح}

راجع به این جمله‌ی بخاری که روایت کرده «فهجرت ابابکر فلم تنزل مهاجرته حتي تُؤْفَيْت» یا در بعضی روایات می‌آید: « فلم يكلمه حتي ماتت» منظور اینست که: در باره امر فدک و میراث پیامبر با ابوبکر صحبت نکرد و بعد از ارایه دلایل قانع شد تا اینکه وفات کرد.

در این باره دلایلی محکم داریم.

در مصنف عبدالرزاق و طبرانی تصریح شده که درباره‌ی فدک صحبت نکرد: قَالَ: فَهَجَرْتُهُ فَاطِمَةً، فَلَمْ تُكَلِّمْهُ فِي ذَلِكَ حَتَّى مَاتَتْ، ((الكتاب: المصنف عبدالرزاق ج 5 ص 471))

امام ترمذی رح می‌نویسد: قَالَ عَلِيُّ بْنُ عِيسَى: مَعْنَى لَا أُكَلِّمُكُمْ تَعْنِي فِي هَذَا الْمِيرَاثِ أَبَدًا، أَنْتُمْ صَادِقَانِ يَعْنِي بَا شِمَا دَر بَارِه فَدَك صَحَبَت نَمِي كَنَم وَ قَانَع شَدَم.

وشارحین نیز همینطور نوشته اند.

وقال الحلبي في سيرته: ومعنى هجرانها لأبي بكر رضي الله تعالى عنه أنها لم تطلب منه حاجة ولم تضطر إلى لقائه إذ لم ينقل أنها رضي الله تعالى عنها لقبته ولم تسلم عليه ولا كلمته،))

جواب پنجم:

بافرض والمحال اگر نارضایتی صحیح باشد اما رضایت فاطمه رضي الله عنه از ابوبکر رض ثابت است.

جاء في رواية البيهقي قال: أخبرنا أبو عبد الله الحافظ قال: حدثنا أبو عبد الله محمد بن يعقوب الحافظ قال: حدثنا محمد بن عبد الوهاب قال: حدثنا عبدان بن عثمان العتكي بنيسابور قال: حدثنا أبو ضمرة عن إسماعيل بن أبي خالد عن الشعبي قال: لما مرضت فاطمة رضي الله عنها أتاه أبو بكر الصديق رضي الله عنه فاستأذن عليها، فقال علي رضي الله عنه: يا فاطمة هذا أبو بكر يستأذن عليك؟ فقالت: أتحب أن آذن له؟ قال: نعم، فأذنت له فدخل عليها يترضاها، وقال: والله ما تركت الدار والمال والأهل والعشيرة إلا ابتغاء مرضاة الله ومرضاة رسوله ومرضاتكم أهل البيت ثم ترضاها حتى رضيت.

قال البيهقي: هذا مرسل حسن بإسناد صحيح. سنن البيهقي {301/6} وروى ابن سعد أن أبا بكر رضي الله تعالى عنه جاء إلى بيت علي لما مرضت فاطمة فاستأذن عليها فقال علي كرم الله وجهه هذا أبو بكر على الباب يستأذن فإن شئت أن تأذني فأذني قالت وذاك أحب إليك قال نعم فأذنت له رضي الله تعالى عنه فدخل واعتذر إليها فرضيت عنه وأن أبا بكر رضي الله تعالى عنه صلى عليه.

هو #ابن_ميثم_بهرانی در شرح #نهج_البلاغه مینویسد: ۴ ۴

﴿ابوبکر به فاطمه گفت: آنچه را که برای پدرت بود، برای تو نیز هست، رسول خدا از درآمد فدک مایحتاج شما را برمی‌داشت و ما بقی را در راه خدا تقسیم می‌کرد، شایسته است که تو نیز همین کار را بکنی که او کرد، سپس فاطمه آن را #پذیرفت و #راضی شد و به ابوبکر وعده داد که همین کار را بکند. ❀

#شرح_نهج_البلاغه، #ابن_ميثم_بحرانی، #جلد_۵ #صفحه ۱۰۷

#ملاحظه میکنیم که فاطمه از ابوبکر با #رضایت کامل فوت کردند و استدلال #رافض از حدیثی که قبل از هر کس متوجه سیدنا علی میباشد #باطل است. خداوند از همه ی آنها #راضی باشد و این را نیز بدانید که خداوند می فرماید: ۴ ۴

مَعْتَلِكَ أُمَّةٌ فَذَ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (بقره ۱۳۴ و ۱۴۱) ■

معنی: (به هر حال، جنگ و جدل درباره آنان چرا؟! ایشان قومی بودند که مردند و سر خود گرفتند. آنچه به جنگ آوردند متعلق به خودشان است، و آنچه شما فراچنگ آورده‌اید، از آن شما است، و درباره آنچه می‌کرده‌اند از شما پرسیده نمی‌شود) (و هیچ کس مسئول اعمال دیگری نیست و کسی را به گناه دیگری نمی‌گیرند). ﴿۱۴۱﴾

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

تشکر از همه دوستان و عزیزان.

فجزاکم الله خیرا